

امیر (بهروز) طیرانی

«قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین» (همانا پیش از شما اقوام و ملت هایی بر روی زمین بودند ، پس در فرجام کار ناباوران بنگرید- آل عمران -137)

در میان دانش و علوم گوناگون در جهان امروز ، دانش تاریخ در میان ملل پیشرفته ، جایگاه مهم و مهمی را به خود اختصاص داده است.

میزان اهمیتی که در کشورهای متمدن برای تاریخ قائل هستند را می توان از جایگاه درس تاریخ در برنامه های آموزشی این کشورها در سطوح مختلف ، از اختصاص منابع به ایجاد کرسی های دانشگاهی و طرح های تحقیقاتی در زمینه مسائل تاریخی و نیز از شمارگان و تنوع کتاب ها ، مجلات و مقالات تاریخی و... در این کشورها دریافت.

این میزان توجه ، در حالی است که برخی از این کشورها از سابقه و قدمت تاریخی چندانی برخوردار نیستند و در مقایسه با کشورهای همچون کشور ما یا مصر و چین و هند ، جدید و نوظهور به شمار می روند.

اما متأسفانه در همین کشورهای با سابقه تاریخی چند هزار ساله و از جمله در کشور ما مدت ها است که مطالعه تاریخ و بهره گیری از تجارب تاریخی به

بوته کم توجهی سپرده شده و این را می توان از گفت وگو با مردم وبه ویژه نسل جوان دریافت.

و کمتر کسی است که نداند نتیجه این جدایی وگست ، فاصله افتادن میان نسل ها و فراموشی اصل هاست و نمود عینی آن هم کم رنگ شدن هویت و حساسیت های ملی و میهنی است .

شناخت و آگاهی از این کمبود شدید ومتاسفانه روبه رشد در میان نسل جدید بودکه از اوایل دهه 1380 هدی صابر را به اندیشه تلاش برای اقدام در مقابله با آن وضورت کوشش برای مقابله با این گسست وفاصله کشاند.

صابر برای گام گذاشتن در این راه ، به رغم شناخت وآگاهی نسبتا جامع در زمینه تحولات تاریخی یک صدساله اخیر ایران بار دیگر مطالعات عمیق وجدیدی والبتّه با متدولوژی نوینی را آغاز کرد .حاصل این مطالعات ، سلسله درس گفتارهای « هشت فراز، هزار نیاز » بودکه طی 75 جلسه منظم در سالن کتابخانه حسینیّه ارشاد در فاصله آذر 1385 تا آبان 1387 ارائه شد.

در برگزاری این جلسات ، صابر شیوه ای متفاوت با جلسات درسی را در پیش گرفت. نخستین ویژگی این سلسله بحث ها ارائه بحث به گروهی از جوانان وبه ویژه دانشجویان علاقه مندی بود که به سهم خود در پربار کردن بحث ها نقش قابل توجهی به دوش داشتند.

مخاطبان با طرح سوالات و به چالش کشاندن سخنران و ارائه کننده اصلی بحث ، ضمن تعمیق مطالب ارائه شده او را و می داشتند تا هرچه بیشتر در طرح مباحث، جوانب علمی و استنادی مطالب را مد نظر و مذاقه قرار دهد و نقدها و نکات مطرح شده را در طرح بحث لحاظ نماید.

ویژگی دوم این سلسله بحث ها دعوت از چهره های شاخص نسل گذشته برای حضور در جلسات و ارائه مباحثی به مثابه مقدمه بحث اصلی در جلسات بود. حضور تقریباً همیشگی مرحوم مهندس عزت الله سحابی و طرح چند بحث کیفی از سوی ایشان ویا بزرگانی دیگر همچون آقایان حسین شاه حسینی ، دکتر رضا رییس طوسی، دکتر محمد ملکی ، مهندس لطف الله میثمی و...موجب ایجاد پیوند مباحث از نظر ذهنی و عینی می شد. و از این طریق ارتباط میان دونسل قبل و بعد صابر را فراهم ساخت.

مخاطبان جوان با ارتباط مستقیم با شخصیت هایی فوق پاسخ بسیاری از سوالات خود را از کسانی دریافت می کردند که خود در بخشی از تحولات مطرح شده در جلسات، حضور مستقیم داشتند و این نیز بر جذابیت بحث ها می افزود.

در نخستین جلسه ای که در آذر 1385 تشکیل شد مهندس سحابی آغازگر این سلسله بحث ها ، ضمن پرداختن به اهمیت مطالعه تاریخ و بهره گیری از تجربیات

گذشتگان از منظر قرآن ومکتب ، درباره اهمیت جلسات
مذبور گفت: « به هرصورت برای کشورما رسیدگی به این
امر که چرا امروز عقب مانده ایم ، از اوجب واجبات
است. اگر از این به بعد بخواهیم به هر حرکتی -
اعم از سیاسی یا اجتماعی - دست بزنیم ، بازهم
باید اول چنین مطالعه تاریخی و تحقیقی کرده
باشیم، تا ابزاری در دستانمان باشد ... ما اینجا جمع
شده ایم ، نه به عنوان یک گروه سیاسی متشکل
ورسمیت دار، بلکه به عنوان جمعیتی که می خواهیم
نقش سیاسی - اجتماعی در جامعه مان ایفا کنیم ،
ولی حضور سیاسی را به سبک معمول فقط در کسب قدرت
نمی بینیم . می خواهیم ... این حرکت بر همه
واقعیت های سیاسی، اقتصادی ، اجتماعی وفرهنگی
اشراف داشته باشد تا آن حرکت مطابق با واقعیت های
تاریخی ملت ایران باشد. »

در مجموعه درس گفتارهای «هشت فراز ، هزار نیاز» ،
هشت واقعه مهم در تاریخ معاصر ایران که هریک به
نوبه خود نقطه عطفی به شمار می روند واکاوی
وبررسی شده اند . این هشت نقطه عطف به ترتیب
تاریخی عبارتند از: جنبش تنباکو، انقلاب مشروطیت،
نهضت جنگل ، نهضت ملی شدن صنعت نفت ، قیام 15
خرداد 1342، جنبش مسلحانه ، انقلاب اسلامی ایران و
جنبش اصلاحات ودوم خرداد.

پیش از ورود به بررسی هشت فراز فوق، صابر در خلال چهار جلسه بحث مقدماتی، نخست درباره ضعف های تاریخی ما ایرانیان به بحث و گفت وگو با مخاطبان پرداخته است. در این بخش، ابتدا درباره تاثیر حافظه زدایی تاریخی، انقراض نسل صاحب حافظه تاریخی، فقدان نهادهای مستقل ثبت و پژوهش های تاریخی، گسست میان سه نسل اخیر و سرانجام به بی میلی نسل نو به مطالعه تاریخی نگاه کرده است. در ادامه این بحث، ضعف های مطالعات تاریخی در ایران به چالش کشیده شده است. نگاه نقطه ای به تاریخ، غلبه تفسیر بر پژوهش، چهره شناسی به جای دوره شناسی از نگاه او از جمله ضعف هایی است که درتاریخ نگاری ما بوده وهست.

در بخش سوم مقدمه درباره ضرورت پرداختن به مطالعه تاریخ وبه ویژه تاریخ یک صد وچهل ساله اخیر ایران گفت وگو شده است. در پایان این بحث نتایج حاصل از این بحث چنین جمع بندی شده است: « تجهیز حافظه تاریخی، درک ودریافت عمومی از سیر تحول تاریخ، درک سنن الهی درتاریخ، دستیابی به درک استراتژیک وتجهیز به توان جمع بندی»

بحث دیگری که پیش از ورود به بحث اصلی درآن جلسات مطرح شد، گذری به بحث فلسفه تاریخ است. در این بخش ابتدا نظرات سه فیلسوف مطرح تاریخ، یعنی فردریش هگل، کارل مارکس وآرنولد توین بی به خلاصه وفشرده ارائه شده است. در ادامه این مبحث به فلسفه

تاریخ از نظر اسلام پرداخته شده است و عناصر درک توحیدی از تاریخ چنین برشمرده شده است: خدا، عالم، تاریخ، انسان، پیام، جوهره تاریخ، منطق تاریخ، تکامل تاریخ، موانع تکامل، صیروت، غایت و فرجام تاریخ

بعد از طرح عناصر درک توحیدی از تاریخ، با تکیه بر آیات قرآن مورد بحث و مذاقه قرار گرفته است. صابر در باره نقش خدا و انسان در تاریخ معتقد بود: «جان کلام آن که خدا از هستی و تاریخ نه غایب است... بلکه در دیدگاه کتاب، خدا حاضر مستمر و مشرف بر تاریخ و مشوق تغییر و تحول تکاملی است. او کمک کار انسان در این مسیر است... انسان نیز نه بازیگر تاریخ است، نه تحت اراده "روح حاکم بر تاریخ"، نه "تحت جبر"، ابزار و دوران های محصول پیشرفت ابزار، بلکه موجود خوش ظرفیت عامل تغییر در هستی و تاریخ است. انسان عهد داری که از نظر مولوی در هر دورانی کارکردی تکاملی و تصحیحی مقابل موانع راه تکاملی پروردگار دارد.»

و سرانجام درباره فرجام تاریخ چنین اظهار نظر می کند: «ام جان تاریخ، تاریخی که دارای آغاز، روند، نقاط عطف و فرجام است، تاریخی که بافت، حس، عقل، حافظه و دینامیسم دراد، تاریخی که صاحب مولود است و می زاید، تاریخی که در حال صیروت و شدن است، و می توان با او زیست و هم نفس شد، زنده خ و جان دار است. سمت آن نیز سمت رسوب و تسری حقیقت است.»

در بررسی فرازهای هشت گانه، صابر ذکر روایت تاریخی واقعه یکی از بخش های بررسی است. در این

سلسله بحث ها هریک از فراز ها از هشت منظر ومحور
مورد کنکاش قرار گرفته است. محورهای هشت گانه
عبارتند از:

- 1-فضای بین المللی، شرایط داخلی
- 2-زمینه های بروز حرکت
- 3-روایت فراز ، مطالبات وشعارهای مطرح شده در
جریان حرکت
- 4-نیروهای آغاز گر، نیروهای دست اندر کار ،
مردم
- 5-تشکیلات ، استراتژی، مشی وایدئولوژی حرکت
- 6-برد اجتماعی و برد جغرافیایی حرکت
- 7-جهت گیری طبقاتی حرکت
- 8-دستاوردها ، جمع بندی وآموزش های فراز

از خلال این تقسیم بندی های انجام گرفته مخاطب
بحث ها، چه آنان که در هنگام ارائه بحث ها در
جلسات حضور داشته اند وچه خواننده مکتوب آن،
قادر خواهد بود تا ضمن شناخت واقعه تاریخی مورد
گفت وگو با شرایطی که حرکت درآن دوره شروع وبه
انجام رسیده است، پیامدهای آن ، دلایل پیروزی یا
شکست ، درس هایی که از آن حرکت اخذ می شود آشنا
شده ودر تجربه زمان خود مورد استفاده قرار
دهند.

درپایان نخستین فراز از هشت فراز که به بررسی
جنبش تنباکو اختصاص داشت ، صابر در جمع بندی

بحث، ابتدا به توضیح مبسوطی پیرامون اصول جمع بندی پرداخته است .

درباره اصول جمع بندی او ابتدا چهار اصل جمع بندی را مطرح ساخته است. از نگاه او یک واقعه تاریخی بر این چهار اصل استوار است: -مبنا و شرط- ، -رو به جلو بودن -ترسیم آینده و نهایتا معطوف به عمل بودن.

وی در خصوص لحاظ کردن مبنا و شرط در جمع بندی معتقد بود که برای تحلیل و جمع بندی هر پدیده اجتماعی، تاریخی، سیاسی و حتی انسانی مقدماتی باید به خود آن پدیده رجوع شود: « تحولات درونی پدیده مبنا می شود و آنچه پیرامون و خارج از آن است می شود شرط» او با اشاره به فلسفه ملاصدرا و بحث جوهر و عرض چنین نتیجه می گیرد که براساس این تعریف، مبنا پایدار است چون متکی بر درون و پایه قرار دارد. شرط خارجی عرض و رونده است: « اساسا برخوردهای ساده ای مانند این که مشروطه کار انگلیسی ها بود و انقلاب 57 کار آمریکایی ها، تحلیل نیست. نمی شود یک پدیده بارداری متولد شود ولی اصلا به سیکل بارداری توجه نشود . فقط این را عنوان کنیم که تلقیح مصنوعی صورت گرفته و از بیرون خودش باردار شده است. برخوردهایی مثل این که مشروطه انگلیسی است و انقلاب آمریکایی خیلی راحت و غیر مسئولانه است .»

براساس همین روش است که او در جمع بندی جنبش تنباکو معتقد بود که مبنای حرکت مردم در آن جریان در شرایط، خواست ها و اهداف نیروهای داخلی یعنی مردم ایران بود . در این میان تضادهای روس وانگلیس شرطی از شروط آن رخداد بود که در حاشیه اصل قرار داشت و در مقابل جوهر حرکت، عرض آن محسوب می شد.

درباره وجه دوم جمع بندی که عبارت است از رو به جلو بودن آن ، معتقد بود که: « حاصل کار یک بررسی تاریخی که در جمع بندی آن خلاصه می شود باید از ویژگی رو به جلو بودن برخوردار باشد یعنی آن که در واقعه نماند . حاصل بررسی یک واقعه تاریخی باید به کار امروز ما بیاید والا نتیجه آن تقویت حافظه تاریخی است و دانش اجتماعی و سیاسی و مبارزاتی ما را بارور و غنی نخواهد ساخت و طبیعتا سرانجام آن تاریخ برای تاریخ است و هدف و غایتی از آن برای انسان به دست نخواهد آمد.»

وجه سوم جمع بندی ترسیم آینده و به اصطلاح وجه استراتژیک جمع بندی است: « نقطه چینی قبل از ما وجود دارد و ما در نقطه الحاق گذشته و آینده به سر می بریم... این نقطه چین سرخ است . در جاهایی که خونین بوده ، جاهایی هم سبز است، جاهایی سفید و جاهایی هم که کسانی به تاریخ بارشده اند نقطه چین های سیاهی ترسیم شده است که باید ببینیم ما

در ترسیم نقطه چین آینده به کدامیک از این چهار رنگ تعلق پیدا می کنیم. این است که به هر حال جمع بندی می کنیم تا به آینده دسترسی سهل الوصول تری پیدا کنیم و حرکت کنیم.»

وسرانجام چهارمین وجه جمع بندی معطوف به عمل بودن آن است. به عقیده صابر جمع بندی ای که خروجی امروزی از آن بیرون نیاید. بود و نبود آن یکی است. «جمع بندی که تلنگر به اذهان نزنند، بن بست را حل نکند، گره ای نگشاید و مساله ای از امروز ما حل نکند صرفا یک کنجکاوی تاریخی است... این برخورد، روایی و داستانی است و می توان با یک فیلم یا موسیقی تاریخی یا خواندن یک رمان هم آن را لمس کرد... مهم آن است که در عمل آتی چگونه جمع بندی گذشتگان را به کار بندیم»

به عبارت دیگر هدف از یک بررسی تاریخی چنین می شود که با شناخت دقیق از واقعه و علل و عوامل اصلی و دخیل در پدید آوردن آن، با درک درست از نیروهای دست اندرکار آن و تجزیه و تحلیل شعارها و اهداف مطرح شده اصلی و فرعی آن و... بتوانیم از ضعف های آن حرکت پرهیز و با لحاظ کردن ویژگی ها و نقاط قوت آن و تقویت آنها در حرکت خود روبه جلو گام های موثرتر و با ارزشی برداریم.

برای دستیابی به اهداف این جمع بندی، صابر در ادامه به معرفی عناصر جمع بندی پرداخته است. به

عقیده او سعی در هم زمانی و فهم دورانی ،
دربrgیری قاعده و کاربست امروزین آن می توانیم
به جمع بندی صحیح و مقرون به صحت دست یابیم .

منظور از سعی در هم زمانی و فهم دورانی ، تنفس
در فضای واقعه است. پرهیز از نشستن در برج عاج
خود و از منظر فضا و شرایط امروز و با توجه به
امکانات و یا ابزاری که امروز ما از آنها
برخورداریم به واقعه نگاه کردن موجب انحراف در
برداشت و قضاوت در تاریخ خواهد شد. همز مانی
موجب می شود تا ناظر تاریخی از قضاوت نابجا ،
احساسی و رمانتیک و یا تخیلی و احساسی و هیجانی
خودداری کند . اگر ناظر واقعه ای مانند نهضت
ملی شدن صنعت نفت شرایط آن دوران را با دوره
خود تطبیق نکند و به عنوان مثال مانند دوران
انقلاب با آن مواجه شود آنگاه مواضع دکتر مصدق
و یارانش و یا آیت الله کاشانی و... مواضعی ناصحیح و
در تضاد با شعارهای مردم تلقی خواهد شد.

و یا در تحلیل جنبش اصلاحات ، انتظار اقدامات
فرا تر از قانون از نیروهای جنبش داشتن ، حکایت
از آن دارد که ناظر از درک شرایط و موقعیت آن
حرکت غفلت تام و تمام داشته است .

با درک عنصر دیگر جمع بندی یعنی قانون مندی
امور و در برگیری قاعده فرد قادر می شود تا به
استخراج توأمان همه زمانی و همه مکانی دست یابد

. این امر موجب می شود تا امکان کاربست امروزم جمع بندی فراهم آید. به عبارت دیگر شناخت صحیح شرایط و قضاوت درست هنگامی میسر خواهد شد که ما ضمن آگاهی هرچه بیشتر از موضوع بتوانیم قاعده صحیحی را استخراج کنیم که صرفاً بر مبنای پیش فرض های ما و یا انتظارات و آرمان ها بنا نشده باشند بلکه مبتنی بر واقعیت های موجود و با نگاه درست بر شرایط ، امکانات ، نیروهای موجود و البته با لحاظ کردن انتظارات و آرمان ها های ما همراه باشند.

صابر در تلاش خویش در بررسی و ارائه هشت فرازتاریخی مد نظر خویش ، سعی زیادی در عمل به توصیه های خود داشت و تلاش می کرد با تکیه بر آنها به قضاوت درستی در برخورد با این رخداد های سرنوشت ساز دست پیدا کند . در عین حال با روشن بینی و تواضع خاص خود همواره براین نکته تاکید داشت که انسان است و امکان خطا در نظرات هر انسانی وجود دارد.

مطالعه مطالب ارائه شده حکایتگر این تلاش ارزنده اوست و طبیعی است که با گذشت زمان و نقد آرا و نظرات او توسط دیگران ، آن دیدگاه ها کامل تر بارورتر خواهد شد .

گامی که توسط هدی صابر در این راه برداشته شد ، باید نقطه آغازینی بر مطالعه تاریخ معاصر ایران

باشد و امید آنکه سایر علاق‌مندان به این مرز
وبوم و به ویژه شاگردان او ضمن ادامه این مسیر
بر غنای هرچه بیشتر مطالبی از این دست بکوشند.

هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار

هر که ناموخت از گذشت روزگار